

جنگ طلبی آمریکا و سر نوشت فلسطین!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اروپایی و کشورهای دنیای	بر تابوط دستیابی به صلح	اخیرا ترامپ رئیس جمهور
عرب و بسیاری از کشورهای	میان فلسطین و اسرائیل	ششول بند آمریکا، با امضای
خاورمیانه و همزمان اعتراض	کوئید، در آتش جنگی	سند برسمیت شناختن اورشلیم
شدید حماس و الفتح واقع شد.	خانمانسوز دیگر دمید.	به عنوان پایتخت اسرائیل و
دامنه اعتراض به تصمیم	تصمیم ترامپ با مخالفت	بحث انتقال سفارت آمریکا به
ترامپ و ... ←	سازمان ملل و کشورهای	این شهر، ضمن اینکه میخی

خطای عامیانه در

مورد بورژوازی

مظفر محمدی

امروزه در منازل مردم، در خیابان ها، در مدارس و دانشگاه ها، در مراکز کارگری، در بازار، در تاکسی و اتوبوس، در مدیای مجازی و همه جا حرف از دزدی و فساد احزاب بورژوایی کردستان است. حتی خود احزاب از سران تا فعالین شان و در مدیای تمام وقت خود از فساد و دزدی حرف می زنند. همه پرچمدار افشاگری ضد دزدی و ضد فساد شده اند...

در ایران هم همین داستان است و در گوشه و کنسار جهان هم همین داستان!

دنباله روی کمونیست ها و سوسیالیست ها و ازادیخواهان و دلسوزان جامعه از این مساله خطای فاحش و انحراف از یک واقعیت طبقاتی و پایه ای جامعه است. انگار در جهان بورژوایی امروز بغیر دزد و غیر فاسد یافت می شود. انگار بورژوازی خوب و بد داریم.

کمی از کردستان فاصله بگیریم، کسی می تواند بگوید در فلان گوشه این جهان بورژوازی و سرمایه داران، سلامت و شرافت و وجدان و اخلاق و انسانیت وجود دارد! بگوید سرمایه داری سالم وجود دارد. نیست.

ترامپ رییس دمکراتیک ترین کشور بورژوایی دنیا هیچ ابایی ندارد که بگوید اینقدر زیرک و ناقل بوده که سال ها از زیر بار پرداخت مالیات سرمایه اش در رفته است. ... صفحه ۳

زنده باد روز دانشجو

دانشگاه های ایران در تسخیر دانشجویان عدالتخواه و ضد جنگ

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

به مناسبت روز دانشجو، امسال بار دیگر دانشگاهها تریبون رساندن صدای محکم اعتراض میلیونی شهردان در ایران بود! ... صفحه ۴



آزادی برابری حکومت کارگری

جنگ طلبی آمریکا ...

مخاطرات آن برای صلح میان اسرائیل و فلسطین، حتی انگلستان متحد قدیمی و همیشگی آمریکا را نیز وادار به واکنش کرد. اما و علیرغم این، کنگره نمایندگان و سنای آمریکا از این تصمیم حمایت نکردند. لازم به ذکر است این تصمیم از سال ۱۹۹۵ و در زمان ریاست جمهوری کلینتون، در هیئت حاکمه آمریکا گرفته شده بود و اجرای آن را به زمانی مناسب که منافع آمریکا ایجاب کند واگذار کردند.

این تصمیم تا کنون موجی از نگرانی در میان مردم اسرائیل و فلسطین و خاورمیانه و همزمان مردم متمدن و صلح طلب جهان را دامن زده است. بدنبال امضای این تصمیم از جانب ترامپ، حماس انتفاضه سوم را اعلام کرده و محمود عباس نیز آنرا نشانه این نامید که آمریکا در قضیه فلسطین دیگر نه میانجیگر بلکه در جبهه ای ایستاده است.

در اینکه چنین تصمیمی میتواند جنگی خونین را در میان اسرائیل و فلسطین دامن بزند، تردیدی نیست. خطری که از هم اکنون علائم آنرا به راحتی میتوان دید.

اینکه چرا امروز دولت ترامپ و کنگره مجلس نمایندگان و سنای آمریکا وقت مناسبی را برای امضای چنین تصمیمی میدانند، دلیل آن مثل تمام جنگ طلبی های تاریخی این کشور، موقعیت منطقه ای و جهانی آمریکا است.

زمانی هیئت حاکمه آمریکا پای چنین تصمیم جنگ طلبانه ای رفته است، که در میدانهای وسیع جنگ طلبی خود دستاوردی جز شکست نداشته است. دو دهه گذشته دولتهای مختلف آمریکا با هدف تضمین کدخدایی خود بر جهان و برای بهبود موقعیت لطمه خورده خود و پایان کلاترتی یک جانبه اش، در راس ماشین تروریسم عنان گسیخته و همزمان دامن زدن به جنگ و جنایاتی بوده که چهره جهان را تغییر داده و ناامنی، جنایت، لشکر کشی و تروریسم را در همه جهان در ابعاد بی سابقه ای افزایش و به مشخصه دنیای امروز تبدیل کرد. حمله به عراق و نابودی این کشور و سرانجام شکست در آن، به همراه خود موجی از تروریسم و کانگستریسم و آدم کشی اسلامی را پروراند. بحران خاورمیانه و جنگ لیبی و شراکت آمریکا و فرانسه و... اکنون لیبی را به میدان

مجموعه ای جریان جنایتکار، فرقه های مذهبی و قومی و بازار برده فروشی آنها تبدیل کرده است. سوریه و تبدیل آن به ویرانه ای بر شانه های آمریکا و همپیمانان او و همزمان عروج انواع باندهای آدمکش تا دندان مسلح از جمله جبهه النصر و شاخه های القاعده و داعشی که امروز موی دماغ تمدن در خاورمیانه است، و نهایتاً شکست در این میدان از دستاوردهای این دوره آنها است. در عراق با دخالت وسیع و نابودی عملی موصل و جنگی وسیع خانمانسوز، عملاً هم خود آمریکا و هم متحدین او چون عربستان، به ایران و... باخت. در کره شمالی با تهدید و عریده کشی ترامپ، علیه قلدرد حاکم بر این کشور، عملاً سایه ترس و نگرانی از جنگ هسته ای را بر جهان گستراندند. هیئت حاکمه آمریکا در این دو دهه به عنوان راس تروریسم رسمی و دولتی جهان و به عنوان مادر دهها باند و جریان آدمکش، همه دخالتگریهای نظامی فوق را به نام "صلح برای جهان و مقابله با تروریسم" به مردم جهان فروخته است.

امریکا برای جبران هر باخت و شکستی در هر گوشه ای

از جهان، بلافاصله در گوشه ای دیگر محور شری تراشیده و به جنگ دیگری دامن زده است. ترامپ، این "امتیاز" را دارد که نسبت به روسای قبلی آمریکا در این چند دهه، بیش از همه زرادخانه نظامی آمریکا را زنده و فعال نگهداشته است و صدها میلیارد دلار اسلحه و ابزار کشتارهای دستجمعی را روانه بازار جهانی کرده و فروخته است!

نتیجه تا کنونی جنگ طلبی های هیئت حاکمه آمریکا و بدنبال و به موازات آن تحرکات نظامی قدرت های حاکم در سایر کشورها، علاوه بر کشتار میلیونی مردم محروم و بیگناه، علاوه بر آوارگی و خانه خرابی دهها میلیون انسان، علاوه بر ویرانی چند کشور و ریشه کن کردن نشانه های تمدن در خاورمیانه، تحمیل یک عقب گرد بزرگ به کل بشریت حتی در خود آمریکا و کشورهای غربی است.

اینکه مالتی میلیاردر آمریکایی، در راس بزرگترین ماشین جنگی جهان و در قامت رئیس جمهور آمریکا، امروز شعله ور کردن آتش جنگ در فلسطین را "زمان مناسبی برای منافع خود" میدانند، به این امید که مشکلات داخلی و موقعیت ضربه خورده جهانی را

"بهبود" دهد، در خود هیئت حاکمه آمریکا با تردید روبرو است!

این تحرک، حلقه دیگری از تلاش بورژوازی آمریکا برای خروج از موقعیت "بازنده" است! تلاشی برای توجیه و حاشیه ای کردن شکستهای این دوره و سرپوش گذاشتن بر ناتوانی در پاسخ به نیازهای شهروندان در خود آمریکا است! این بار تاوان شکست و سقوط موقعیت "ممتاز" آمریکا، و بحران و بن بست های اقتصادی را باید بار دیگر کودکان و مردم محروم فلسطین، مردم صلح دوست اسرائیل، و مردم در خاورمیانه بپردازند.

بی شک مقابله با این سیاست و عقب راندن گانگستر حاکم و کل هیئت حاکمه آمریکا، کار بشریت آزادیخواه است. ماشین جنگی ترامپ را باید افسار کرد. برسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل، باید به عنوان سیاستی جنگ طلبانه محکوم شود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۹ دسامبر ۲۰۱۷

مرک بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسالسیم!

خطای عامیانه ...

ابایی ندارد در کنار سفرهای دیپلماتیکش قراردادهای تجاری شخصی و خانوادگی اش را با سران و سرمایه داران کشورهای دیگر از جمله در روسیه و چین و غیره ببندد. مشاورین ترامپ در عین حال کارچاق کن های بستن قرارداد های مالی و اقتصادی در گوشه و کنار جهان برای سرمایه های ترامپ و خانواده اش هستند. اردوغان و حزب عدالتش، بزرگ ترین سرمایه دار ترکیه است. یک شبه یک تریلیی محموله طلا از ایران در استانبول گم می شود. خانواده ملکه انگلیس پول هایشان را در گوشه ای امن در جهان مخفی کرده و از پرداخت مالیات معاف کرده اند. برلسکونی در زمان ریاستش و تا حالا بزرگ ترین قاچاقچی و مافیای اقتصادی ایتالیا است. خامنه ای و بیت رهبری و سپاه پاسدارانش یک دم و دستگاه عریض و طویل مافیای اقتصادی اند که بیش از هفتاد در صد اقتصاد مملکت را در کنترل و قبضه دارند و هیچ کس قادر به قدم گذاشتن در این صحنه و پرسیدن از چند و چون آن نیست. پوتین و سرمایه داران روسی را نگاه کنید و الی آخر...

در گفتن این که حکام سرمایه داری دزد و فاسد اند، هیچ چیز تازه ای وجود ندارد. گفتن بدیهیات است و

خودفریبی و مردم فریبی است. می خواهند به این وسیله بگویند جامعه سرمایه داری سالم هم می شود داشت. می شود اصلاحات کرد. می شود بورژوازی دزد را پایین کشید و بورژوازی اصلاح طلب و سالم را جایش خودفریبی محض است. همه این ها گفته می شود تا جامعه طبقاتی نفی شود و این تصور غالب شو که گویا با جنبش های اصلاح طلبانه، می توان بورژوازیهای دزد را کنار زد یا عاقل کرد و بورژوازیهای سالم را جایشان قرار داد... این غیر ممکن است. بازی حول این مساله فرستادن کارگران و مردم دنبال نخود سیاه است. کلاه گذاشتن سر مردم است. اگر فریب دادن مردم است. اگر ریگی در کفش نباشد این، ناآگاهی، بی عقلی و بی شعوری محض است. امروزه درجهان از بزرگ ترین و دمکراتیک ترین دولتهای سرمایه داری تا دیکتاتوری ها و قومی ها و مذهبی ها و دول عشیره ای کشورهای عربی و تا عراق و اقلیم کردستان یک اصل بی برو برگرد حاکم است. و آن این است که سرمایه باید سود کند. بهر قیمتی باید سود حاصل شود. به قیمت راه انداختن جنگ، فروختن سلاح، استثمار طبقه کارگر، فقیر کردن زحمتکشانش، تبعیض جنسی و درجه دو کردن زنان، کار کودکان، توسعه اعتیاد و فحشا... بهر قیمتی باید سود سرمایه

حاصل شود...

این پدیده شوم حاکم بر جامعه بشری امروز را با دزد نامیدن یا فاسد شناختن این و آن دولتمرد یا روسای احزاب بورژوازی و قومی و غیره نمی توان تعریف کرد. این خصلت و خاصیت سرمایه داری است. تا این بر نیفتد درب بر همین پاشنه می چرخد. اگر حرف از دزدی است باید گفت استثمار طبقه کارگر و اساسا کار مزدی بزرگ ترین دزدی است که روزمره طبقه سرمایه دار از رنج بازو و مغز طبقه کارگر و از گرده این طبقه بیرون می کشد. کسی هست حساب این دزدی ظاهرا پنهان دستش باشد؟ زمانی طبقه کارگر به این آگاهی رسید که سرمایه داران چگونه سود سرمایه حاصل رنج و کارش را بالا می کشد و مدام چاق و چاق تر می شود، آن وقت دیگر حرفی از اصلاح و طلب سالم بودن و غیر دزد بودن سرمایه داران و احزاب و دولتشان بمیان نمی آید. آن وقت دیگر حرف از این که جای دزد را با دزد دیگر عوض کردن نیست. آن وقت سوال دیگر و جواب دیگر لازم می شود. سرمایه داری سالم و انسانی و شرافتمند وجود ندارد. اگر باشد دیگر سرمایه دار و سرمایه داری نیست. این ماهیت نظام سرمایه داری است و جای گلگی نیست. جای سرمایه دار و سرمایه داری را باید طبقه کارگر و

سوسیالیسم بگیرد. این تنها راه چاره است. این راه دوری نیست. این سوال و جوابی است که از دیر زمان و تا امروز و همین امروز روی میز طبقه کارگر و کمونیست های طبقه است. این نظام را باید بر انداخت. این نظام را که می خواهند ازلی و ابدیش کنند باید همین امروز کنار زد و نظام دیگر اداره جامعه بر اساس سازماندهی اقتصاد و سیاست و رفاه و برابری جامعه بنیان نهاد. در همه جا. از امریکا تا اروپا و آسیا و خاورمیانه و همین کردستان. سرمایه داران تا پای جان برای حفظ وضع موجود می جنگند. و طبقه کارگر و آزادیخواهان و برابری طلبان هم باید با تمام قدرت برای برانداختن و تغییر بنیادی وضع موجود و نه اصلاح آن بجنگد. از گرفتن نان امروز تا گرفتن تمام قدرت، تمام نان، تمام آزادی، تمام برابری و تمام انسانیت و تمام حرمت انسان. نزدیک به یک قرن است سرمایه داری کشورهای غربی قطره قطره نانی به سفره طبقه کارگر می چکانند. در بیشتر کشورهای سرمایه داری جهان این قطره چکانی هم وجود ندارد. بردگی محض، فقر محض، بی حرمتی محض، تحقیر و سرکوب عریان است. این نظام اصلاح بردار نیست. نزدیک به یک قرن است طبقه کارگر جهان، توان تغییر این نظام را دارد. اما اصلاحگرایی و انتظار اینکه به اصطلاح بورژوازی دزد هر بار جایشان را به غیر دزدهای درون خود بدهند یک مانع جدی بر سر راه طبقه کارگر و مردم زحمتکش جهان است. دزدی و فساد و غارتگری آشکار در ذات و خصوصیت نظام سرمایه داری

است و این برای هیچ سرمایه داری عار نیست. نه تنها عار نیست بلکه به آن افتخار هم می کنند. سرمایه داری که کم تر سود ببرد، کم تر غارت کند، بی عرضه قلمداد می شود. سرمایه داران سوار بر گرده طبقه کارگر و مردم زحمتکش و زنان و کودکان جوامع بشری می رانند و نظام شان را نگه می دارند...

زمانی که طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه به این امر آگاه شد و متحد شد و قدرتمند شد، به این سواری شرم آور طبقه سرمایه دار خاتمه می دهد. بدون این آگاهی به ماهیت و خصوصیت و ذات نظام سرمایه داری هیچ حق و آزادی دمکراتیک هم به دست نمی آید و هر دستاوردی به هر قیمت، باز پس گرفتنی است. کمونیست ها بجای همسویی عامیانه با توده های ناآگاه که گویا بدون تغییر بنیادی نظام سرمایه داری رفاه و آزادی و خوشبختی بشر ممکن است؛ باید حرف آخر را اول بزنند. بدون این آگاهی، بدون این افق و بدون این تعقل و تفکر و سیاست هیچ دستاوردی از آزادیخواهان و رفاه طلبانه در نظام توحش سرمایه داری قابل حفظ کردن نیست. با این آگاهی و این افق و این تعقل و تفکر و سیاست هر دستاوردی سکویی است برای پرش به دستاورد دیگر و تا پیروزی نهایی: بر انداختن کل نظام سرمایه داری با استثمار و سرکوب و جنگ ها و ترور و دزدی و غارت و رنج ها و محرومیت هایی که به جامعه بشری امروز تحمیل کرده است.

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خارجی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

فرمایشی و دولتی، که تماماً یک سلسله مراسم دانشجویی بود که توسط جوانان رادیکال، عدالتخواه و ضدجنگ، برگزار شد!

این دستاورد را باید گرامی داشت! باید از آن محافظت کرد! باید آن را از تعرض نیروهای امنیتی، تحرکات تفرقه افکنانه و تلاش های وزارت اطلاعات و گماشتگان اش، مصون داشت.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ آذر ۱۳۹۶ - ۵
دسامبر ۲۰۱۷

حکمتیست را
توزیع و
پخش کنید!

در این روز، روحانی، دولت اعتدال، احمدی نژاد و جبهه اصلاحات، جرات نکردند از سنگر دانشگاه برای برگزاری مراسم دولتی و بهره برداری برای تسویه حساب های درونی خود، استفاده کنند! امسال روز دانشجو، به حکم دانشجویان درب دانشگاهها بر روی حکومت و عوامل آن،

زنده باد روز دانشجو ...
تربیت سراسری اعتراض به بی حقوقی مطلق طبقه کارگر، به ستم و محرومیت مطلق شهروندان در مناطق دورافتاده تر، به فقر و بی افقی دانشجوی محروم، به خصوصی شدن و پولی شدن امکان دسترسی به آموزش و نیازهای اولیه زندگی، به فساد افسارگسیخته حاکمیت، و به تبعیض و تحقیر تعمیم یافته جنسیتی بود! از این تربیت سراسری بعلاوه کیفی خواست قربانیان چهاردهه حاکمیت نیز به میان آمد!

مراسم روز دانشجو، شانزده آذر امسال، به دلیل تعطیلات، روزهای سیزده و چهارده آذر و در اکثر دانشگاههای سراسر ایران، در اشکال مختلف، سخنرانی و سمینار و تحصن و اجرای نمایشات متعدد، برگزار شد. مراسم امسال، نه یک مراسم

زنده باد انقلاب کارگری!